



مجموعه داستان کوتاه «آنها قرار نیست پیر شوند» توسط رولد دال (۱۹۱۶-۱۹۹۰)، داستان نویس و فیلمنامه‌نویس بریتانیایی نوشته شده است. محسن یآوری (زاده ۱۳۶۸)، مترجم ایرانی، این اثر را به زبان فارسی ترجمه کرد و در مرداد ۱۴۰۳ توسط نشر ثالث به مخاطب فارسی زبان ارائه شد. یآوری پیش‌تر ترجمه‌های دقیق و وفادارانه از رمان بسیار بلند و فوق‌العاده نزدیک‌اجناتان سفران فوئر، و کتابی دیگر در حوزه نقد و نظریه ادبی با عنوان ایده داده بود. به نظر می‌رسد که توانایی یآوری در نوشتن داستان به او کمک کرده تا لحن و نوشتار دال را به خوبی برای مخاطب فارسی‌زبان ترجمه کند. تسلط مترجم به زبان فارسی ستودنی است. این کتاب، متشکل از ۷ داستان کوتاه، بخشی از خودزندگی‌نامه رولد دال و نامه‌هایی است که او زمان جنگ و پیش از آن نوشته بود. داستان‌های این مجموعه به موضوع جنگ و تأثیرات مخرب آن می‌پردازند که چه آسیبی به روح و روان آدمی می‌زنند. دال، در این داستان‌ها، نه به نظر می‌دهد، بلکه به نگویش آن می‌پردازد. شخصیت‌های اصلی هر هفت داستان، خلبان‌هایی هستند که به نوعی در جنگ حضور دارند. دال با نثری زیبا و روان بیان می‌کند که روان‌زخم‌های تحمیل شده توسط جنگ، بسیار خطرناک‌تر و خامان‌سوتر هستند. شخصیت‌هایی از نبرد جان سالم به در می‌برند، اما دیگر انسانی سالم نیستند. مرگ یا تجربه‌های تلخ، نه تنها زندگی این خلبان‌ها را نابود می‌کند، بلکه به اطرافیان و جامعه نیز آسیب می‌زند. فروید، نخستین کسی است که تروما یا روان‌زخم‌رادر کتاب‌ورای اصل لذت تعریف می‌کند. او می‌نویسد: «روان‌زخم به معنای واقعه‌ای آسیب‌زا است که شامل رویداد یا تجربه‌ای حسی و عاطفی است» (۱۷۸). همچنین، روان‌زخمی که در گذشته اتفاق افتاده و خاطرات تروماتیک، بر ذهن انسان تأثیر می‌گذارد و عواقب منفی آن بلندمدت است. از نظر فروید، روان‌زخم به هر هیجانی اطلاق می‌شود که روان‌ها از دفاع در برابر آن ناتوان باشد. در هر ۷ داستان کوتاه‌این مجموعه، ماشخصیت‌های خلبانی را داریم که می‌دانند احتمال کشته شدنشان خیلی زیاد است. به تعلیق افتادن این رویداد تروماتیک، فشار هیجانی زیادی بر آن‌ها وارد می‌کند. در برخی داستان‌ها، شخصیت‌ها از نظر جسمی سالم است، اما دچار فریاد بی‌روانی شده است. برای مثال، در داستان کوتاه «سرباز»، مرد دائماً نام خود را تغییر می‌دهد. ذهن او میان خاطره‌های متفاوت و بیضه خیالی سرگردان است. ماجرای او از جایی شروع می‌شود که نمی‌تواند در پایش را احساس کند. به‌طور خیلی ساده، ژاک لاکان با بسط ایده‌های فروید درباره این موضوع می‌گوید که روان‌زخم باعث ایجاد نوعی مانع در فرآیند دلالت می‌شود، یعنی فرد هر قدر تلاش بکند تا در درون‌زخم خود را ابراز کند اما عاجز است. رولد دال در این مجموعه داستان کوتاه‌روی روان‌زخم حاصل از جنگ دست می‌گذارد. جنگ، تأثیراتی عمیق و عمدتاً طولانی‌مدت بر روان افراد حاضر در جنگ و حتی خانواده‌های آن‌ها می‌گذارد. همه شخصیت‌ها حوادثی را تجربه می‌کنند که ذهن‌شان قادر به پذیرش و هضم آن‌ها نیست. برای مثال، در داستان کوتاه «مثل آب خوردن»، دو خلبان هواپیمایشان هدف قرار می‌گیرد و سقوط می‌کند. از میان‌جا، داستان حال و هوایی سوررئال به خود می‌گیرد و منطق داستانی به هم می‌ریزد. دال به خوبی از فن سوررئالیسم بهره می‌گیرد و مترجم نیز این گذر از واقع - گزایی به سوررئالیسم را خوب از آب درآورده است. دال در داستان کوتاه «همه‌اش همین است» سیر متفاوتی را پیش می‌گیرد. مادری در کنار پنجره به خواب می‌رود. پسر او خلبان یک بمب افکن است و راهی عملیات می‌شود. حالا، مادر در عالم خواب با فرزند خود همراه می‌شود. دال این پرسش را مطرح می‌کند که روح و روان آدمی تا چه میزان می‌تواند درد و رنج حاصل از جنگ را تحمل کند. داستان کوتاه «آن‌ها قرار نیست پیر شوند»، ماجرای دو خلبان است که ماجرای پرواز دوست خود، فین را روایت می‌کنند. ماجرا از جایی عجیب‌تر می‌شود که او متوجه گذشت دو روز نشده است. دال، همانند یک روان‌پزشک، مخاطب خود را دعوت می‌کند تا با دقت به روایت‌های این شخصیت‌ها و رویاپوشان، در حوادث تروماتیک پرده برداری کند. آیا از رویای فین می‌توان فهمید چه اتفاقی برای او افتاده بود؟ مواجهه فرد با حادثه‌ای تروماتیک، در داستان کوتاه «دربروز زیبا بود» نیز به‌طور عجیب‌تر و شوکه‌کننده‌تری روایت می‌شود. خلبانی در دهکده‌ای که بارها مورد هجوم حمله هوایی و زمینی قرار گرفته، به دنبال کمک است. شاید کمتر نویسندگانی باشند که چنین هنرمندانه با صرف کمترین واژه‌ها بتوانند نتیجه روانی بارها حمله ناشی به مردم منطقه‌ای را نشان بدهد. تمام داستان، حتی توصیف مکان و نحوه صحبت شخصیت‌ها نیز گویای همین مضمون است. شاید تلخ‌ترین داستان کوتاه این مجموعه، «حتی ماهی‌ها هم امروز کشته نمی‌شوند» باشد. دال، داستان جوانی را روایت می‌کند که چهار سال در میدان نبرد حضور داشته و با شور و شوق جنگیده است. اما، حالا ترسیده و می‌خواهد هرطور شده، جان خود را نجات بدهد. تلاش‌های او بیشتر شبیه نوعی تقلا و دست‌پا زدن در باثبات است... دال در این مجموعه داستان‌ها با بیانی ساده و شیوایی می‌کند که پیامدهای ناشی از جنگ، همواره برای فرد و جامعه دردناک و مخرب هستند، حتی جنگ‌ها و نبردهایی که زمان وقوع‌شان قابل پیش‌بینی باشند.

در گفت‌وگو با فرانک سالاری مطرح شد؛

تقاضای سرعت از مترجمان و افت کیفی ترجمه‌ها

آرمان ملی - بیبا ناصر: بازار انتشار کتاب‌های ترجمه‌ای، خصوصاً در حوزه آثار ادبی، بازار پرتراکم و چه بسا به نسبت کتاب‌های تالیفی، پررونق‌تری است. اما از آنجا که ایران عضو معاهده جهانی کپی‌رایت نیست، شرایط پیچیده، آشفته و آسیب‌زایی را در این عرصه شاهد هستیم که ایجاد رقابت ناشران برسر سرعت و فدا شدن کیفیت ترجمه، از جمله این آسیب‌هاست. فرانک سالاری، یکی از مترجمان فعال در عرصه آثار ادبی در تشریح شرایط موجود می‌گوید: «این روزها با وجود رشد شبکه‌های اجتماعی، وب سایت‌ها و تقاضای سرعت از جانب برخی ناشرها، ترجمه با کیفیت اهمیت چندبرابری پیدا کرده است.» او بر این باور است که: «نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرها تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظارت در روند تولید و چاپ یک اثر نیست.»

«باتوجه به اینکه به تازگی ترجمه کتاب‌های

«اجازه نده او بماند» نوشته نیکولا ساندرز،

«عکس‌های پنهان» نوشته جیسون ریگولاک

و «اینجا همه دروغگو هستند» نوشته شاری لاپنا

از شما و به همت نشر شبنام در دسترس مخاطبان

کتاب قرار گرفته است. ابتدا درباره این آثار و

موضوع و ویژگی‌های داستانی نویسنده‌شان

توضیح دهید.

«اجازه نده او بماند» اثر نیکولا ساندرز، با روایت

زنی سی‌وسه ساله به نام جوان آغاز می‌شود که با

همسرش و دختر بچه سه ماهه‌اش در حومه شهر

لندن زندگی آرامی دارد. جوان می‌پذیرد دختر

بیس‌ویک ساله شوهرش برای مدتی کوتاه با آنها

زندگی کند. او مشتاقانه منتظر پیوندی مجدد

با دختر خوانده‌اش است؛ چرا که این دختر به

دلیل ازدواج پدرش با او، با پدرش نیز قطع رابطه

کرده. با گذشت زمان، این زن با گذشته تلخ زندگی

دختر خوانده و همسرش آشنا می‌شود. از آنجا که

برخی ازها بر ملا می‌شود، زن نگران امنیت دختر

نوزادش می‌شود. او برای حفظ امنیت فرزندش

هرکاری انجام می‌دهد. اتفاقات تارک و پیچیده‌ای

رخ می‌دهد که به سلامت عقل و امنیت خود شک

می‌کند. آیا همان‌طور که شوهر و دختر خوانده‌اش

مدعی هستند، دچار توهم و پارانویید شده است یا

اینکه قربانی دیگری در این درام خانوادگی خطرناک

است؟ به همین دلیل سعی می‌کند بفهمد این

دروغ از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود. سبک

نویسنده در این اثر شامل لحنی سرد، ناراحت

کننده، دلهره‌آور و ناپایدار است. ممکن است

خواننده بخواهد قهرمان داستان به روشی خاص

عمل کند، ولی قراردادها او را ملزم می‌کند کارها را به

گونه‌ای انجام دهد که برای شخصیت او منحصر به

فرد است. اگر شخصیت‌ها به نوعی نارواند، دیوانه،

خشن و آسیب‌زا نبودند، روند داستان هیجانی

و روان‌شناختی نبود. سبک نگارش و آهنگی

شایسته تقدیر است. داستان دارای طرح و آهنگی

رضایت‌بخش است. قصه دختر خوانده ضمن سه

هفته پس از نقل مکان به پایان می‌رسد. بنابراین

بسیاری از اقدامات با واکنش‌های سریع در همین

بازه زمانی محدود صورت می‌گیرد. سبک ساده

نویسنده از لذت داستان کم نمی‌کند. پایان آن

بسیار عجیب و غریب است، درست در زمانی که

خواننده فکر می‌کند پایان را درست حدس زده

است، با غافلگیری دیگری روبه‌رو می‌شود. نیکولا

ساندرز بیشتر به خاطر رمان‌های مستقل خود

شناخته می‌شود. در حال حاضر ۲ رمان از او به

چاپ رسیده است. اولین نسخه مستقل در سال

۲۰۲۰ به نام «همه دروغ‌ها» منتشر شد. جدیدترین

رمان، اجازه نده او بماند، در سال ۲۰۲۳ منتشر شد.

رمان ساندرز، «اجازه نده او بماند» نامزد جایز

گودریدز، بهترین معمایی و هیجان‌انگیز سال ۲۰۲۳

شده است.

در کتاب بعدی یعنی «عکس‌های پنهان» اثر

جیسون ریگولاک، مالوری کوپین دختر ۲۳ ساله

که به تازگی از مرکز بازپروری ترک اعتیاد مرخص

شده است، شغل جدیدی پیدا می‌کند و به عنوان

پرستار بچه در حومه باصفای اسپرینگ بروک،

نیوجرسی مشغول به کار می‌شود. او از پسر بچه

پنج ساله‌ای به نام تدی مراقبت می‌کند که عاشق

نقاشی است و نقاشی‌ها ابتدا ساده و کودکانه است،

اما پس از مدتی تبدیل به تصاویر بد و پیچیده‌ای

می‌شوند که به سختی بتوان اسم آن را نقاشی

کودکانه گذاشت. شخصیت‌های داستان گیرا و

جذاب است، سرعت روایت سریع و سبک نوشتاری

جذابی دارد و طرح داستان فریبنده و چندان

قابل پیش‌بینی نیست. این اثر در ژانر رمان‌های

مصور قرار می‌گیرد. علاوه بر این رمان به خاطر

موقعیت‌های دلهره‌آورش در ژانر جنایی، ژانر

رمان‌های ترسناک نیز قابل بررسی است و خواندن

آن برای طرفداران کتاب‌های ماجراجویی پیچیده

و جالب‌های داستانی می‌تواند جالب توجه

باشد. ریگولاک نویسنده عکس‌های پنهان،

قلعه غیرممکن و آخرین نفر عروسی، اکتبر ۲۰۲۴

به چاپ می‌رسد) است که آثار او به بیش از سی

زبان دنیا ترجمه شده است. او اهل آمریکا است که

سال‌ها ناشر مستقل «Quirk Books» بوده است.

امروزه از اعضای فعال انجمن نویسندگان شرق

و نویسندگان کتاب‌های اسپر امیز آمریکا است و

همراه با همسر، فرزندان و حیوانات خانگی‌اش در

فیلا دلفیا زندگی می‌کند. اگرچه نام ریگولاک را روی

جلد بسیاری از کتاب‌های کوچک بوکس نمی‌بینید،

ولی از آثار ناشناس او مجموعه ماورا طبیعی از

مدرسه لاوکرافت است که با نام مستعار چارلز

گیلمن نوشته شده است. کتاب «قلعه غیرممکن»،

اکتیوا اولین کتاب او نیست، اما اولین باری است که

آقای ریگولاک نام خود را بر روی یک اثر داستانی

می‌گذارد. «قلعه غیرممکن» به ۱۲ زبان ترجمه شد و

در «تیرلرهای خانگی» جای می‌گیرد. لاپنا قبل از

نامزد نهایی جایزه ادگار شد. «عکس‌های پنهان»

جوایزی را برآی نویسنده‌اش کسب کرده، از جمله:

«جایزه بهترین کتاب ژانر وحشت به انتخاب

گودریدز ۲۰۲۲» و جایزه بهترین کتاب آمازون در

سال ۲۰۲۲. همچنین در فهرست پرفروش‌های

نیویورک تایمز و کتاب‌های پرفروش ملی کشورش

قرار گرفته است.

اما «اینجا همه دروغگو هستند» اثر شاری لاپنا،

مضمونی معمایی - تعلیقی دارد. درباره مسائل

عمیقی مثل خیانت، خشونت رفتاری والدین،

اثرات جانبی این رفتار بر روح و روان فرزندان، روابط

انسانی، اجتماعی و دروغ‌گویی تأکید دارد. داستان

را ابتدا با یک نام شدن دختر بچه‌ای به نام «ایوری»

شروع می‌شود، اما در دنباله داستان خواننده

متوجه می‌شود انسان‌های یک محله و حکایت

تک‌تک همسایه‌ها زیر ذره بین روانشناختی

نویسنده گرفته است. این کتاب روابط میان

همسایه‌ها و رازهایی که پشت پرده خوشبختی

ظاهری خانواده‌های پنهان است را بر ملا می‌کند، اما

در نهایت با بررسی جزئیات مشکلات عمیق رفتاری،

روانی و معضلات درون خانوادگی نمایان می‌شود.

از دیگر موضوعات پرداخته شده در این داستان،

بررسی نتایج برخورد اجتماعی افراد در محیط کار

است که گاهی دارای تبعاتی سنگین و ناخوشایند

است. شاری لاپنا رمان نویس کانادایی است که

بیشتر برای داستان مهیج زوج همسایه (در ایران

با عنوان خازن همسایه به چاپ رسیده) در سال ۲۰۱۶

به شهرت رسید، رمانی پرفروش که در کانادا و سایر

کشورها منتشر شده است. نخستین رمان او تحت

عنوان «چیزهایی که بپرواز می‌کنند» در سال ۲۰۰۸

انتشار یافت. این رمان در فهرست آثار راه یافته به

مجله نهایی سانپرست در سال ۲۰۰۹ قرار داشت.

رمان دوم با عنوان «اقتصاد شادمانی» در زمره آثار

راه یافته به مرحله نهایی جایزه استیون لیپاک

در سال ۲۰۱۲ قرار داشت. برخی از نوشته‌های او

در «تیرلرهای خانگی» جای می‌گیرند. لاپنا قبل از

هدف پروژه سبک نویسنده از مواردی است که

هر مترجمی باید به آن توجه داشته باشد. این روزها

با وجود رشد شبکه‌های اجتماعی، وب سایت‌ها

و تقاضای سرعت از جانب برخی ناشرها، ترجمه

با کیفیت اهمیت چندبرابری پیدا کرده است.

بنابراین از جمله مواردی که در انتخاب و تولید

یک اثر برای خودم حائز اهمیت است، عبارتند از:

سلیقه ادبی، انتقال مفاهیم درست به جامعه،

پایبندی ناشر به تولید اثری با کیفیت و وجود تیم

تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران

محتوا و پژوهش‌های اجتماعی - روانشناسی و تأثیر

چشمگیری که بر زندگی مردم دارند، بسترسازی

برای ترجمه آثار کیفی و ارزشمند در این حوزه نیاز

اولیه محسوب می‌شود. تبادل آثار ادبی ارزشمند

رایج‌های کشورهای همسایه در رشد و شکوفایی این

صنعت نقش به‌سزایی دارد. این بازار علاوه بر رونق

نیاز به پالایش دارد و فاصله شعار تا واقعیت بسیار

است. برای تحقق این امر نیاز به اجماع گروهی از

متفکران، منتقدان و مدیران دلسوزی است که به

این وضع سامان دهند.

«با توجه به استقبال از آثار ترجمه‌ای، زمینه



معرفی و فعالیت مترجمان بسیاری در سال‌های گذشته بیشتر فراهم شده است. اساساً ضرورت‌ها و لازمه‌های ترجمه حرفه‌ای چیست؟

یکی از مهم‌ترین نکات ترجمه حرفه‌ای بهره‌برداری از اصول تحقیق و پژوهش در ارائه یک پروژه است. آشنایی و تسلط به دایره لغات فارسی از دیگر موارد مهم است. برای مثال مترجمی که در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند باید تسلط کافی به زبان و محاوره قابل فهم برای کودک داشته باشد. از آنجا که اماونداری و وفاداری به نویسنده یکی از اصول مهم ترجمه است. قبل از انتخاب یک اثر با تسلط کامل به متن به این آگاهی می‌رسد که قرار است چه پیام با مفهومی را از نویسنده به جامعه منتقل کند.

تاکنون بیش از ۲۵ عنوان کتاب در حوزه ترجمه از شما به چاپ رسیده است. با توجه به سابقه فعالیت شما در این حوزه، به نظر شما توجه به چه موارد و ظرفیت‌هایی در ترجمه ادبی حائز اهمیت است؟

هدف پروژه سبک نویسنده از مواردی است که هر مترجمی باید به آن توجه داشته باشد. این روزها با وجود رشد شبکه‌های اجتماعی، وب سایت‌ها و تقاضای سرعت از جانب برخی ناشرها، ترجمه با کیفیت اهمیت چندبرابری پیدا کرده است.

بنابراین از جمله مواردی که در انتخاب و تولید یک اثر برای خودم حائز اهمیت است، عبارتند از:

سلیقه ادبی، انتقال مفاهیم درست به جامعه، پایبندی ناشر به تولید اثری با کیفیت و وجود تیم تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محتوا و پژوهش‌های اجتماعی - روانشناسی و تأثیر چشمگیری که بر زندگی مردم دارند، بسترسازی برای ترجمه آثار کیفی و ارزشمند در این حوزه نیاز اولیه محسوب می‌شود. تبادل آثار ادبی ارزشمند رایج‌های کشورهای همسایه در رشد و شکوفایی این صنعت نقش به‌سزایی دارد. این بازار علاوه بر رونق نیاز به پالایش دارد و فاصله شعار تا واقعیت بسیار است. برای تحقق این امر نیاز به اجماع گروهی از متفکران، منتقدان و مدیران دلسوزی است که به این وضع سامان دهند.

همان‌طور که اشاره کردید، سرعت در ترجمه و انتشار آثار از سوی مترجمان و ناشران مهم است. به نظر شما این مسأله تا چه میزان بر سطح کیفی تأثیرگذار بوده است؟

دوستان، مترجمان و منتقدان محترم بارها دغدغه‌های خود را در این زمینه ابراز و اظهار نگرانی کرده‌اند، اما زمانی که نظارتی جدی بر این روند وجود نداشته باشد، سخن گفتن بیبوده و تکرار مکررات است. برای نمونه، نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرهای قدیمی و اهل فن کنار رفته و با ورود نسل جوان که تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظرات در روند تولید و چاپ یک اثر نیست. پیگیری اجرای قانون کپی‌رایت از اهم واجبات در این حرفه است؛ بلکه عده‌ای دست از مسابقه برای ترجمه آثار نویسندگان معروف بردارند. این سیاق غیربازاری در فروش (با حذف روش مارکتینگ به اصطلاح جایزه‌گیری در صنعت کتاب) پایبندی به تسلط و تعهد ادبی در میان مترجم‌ها و ناشران همچون گذشته، منجر به تولید آثاری با کیفیت خواهد شد.

انتشار آثار از سوی مترجمان و ناشران مهم است. به نظر شما این مسأله تا چه میزان بر سطح کیفی تأثیرگذار بوده است؟

دوستان، مترجمان و منتقدان محترم بارها دغدغه‌های خود را در این زمینه ابراز و اظهار نگرانی کرده‌اند، اما زمانی که نظارتی جدی بر این روند وجود نداشته باشد، سخن گفتن بیبوده و تکرار مکررات است. برای نمونه، نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرهای قدیمی و اهل فن کنار رفته و با ورود نسل جوان که تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظرات در روند تولید و چاپ یک اثر نیست. پیگیری اجرای قانون کپی‌رایت از اهم واجبات در این حرفه است؛ بلکه عده‌ای دست از مسابقه برای ترجمه آثار نویسندگان معروف بردارند. این سیاق غیربازاری در فروش (با حذف روش مارکتینگ به اصطلاح جایزه‌گیری در صنعت کتاب) پایبندی به تسلط و تعهد ادبی در میان مترجم‌ها و ناشران همچون گذشته، منجر به تولید آثاری با کیفیت خواهد شد.

همان‌طور که اشاره کردید، سرعت در ترجمه و انتشار آثار از سوی مترجمان و ناشران مهم است. به نظر شما این مسأله تا چه میزان بر سطح کیفی تأثیرگذار بوده است؟

دوستان، مترجمان و منتقدان محترم بارها دغدغه‌های خود را در این زمینه ابراز و اظهار نگرانی کرده‌اند، اما زمانی که نظارتی جدی بر این روند وجود نداشته باشد، سخن گفتن بیبوده و تکرار مکررات است. برای نمونه، نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرهای قدیمی و اهل فن کنار رفته و با ورود نسل جوان که تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظرات در روند تولید و چاپ یک اثر نیست. پیگیری اجرای قانون کپی‌رایت از اهم واجبات در این حرفه است؛ بلکه عده‌ای دست از مسابقه برای ترجمه آثار نویسندگان معروف بردارند. این سیاق غیربازاری در فروش (با حذف روش مارکتینگ به اصطلاح جایزه‌گیری در صنعت کتاب) پایبندی به تسلط و تعهد ادبی در میان مترجم‌ها و ناشران همچون گذشته، منجر به تولید آثاری با کیفیت خواهد شد.

همان‌طور که اشاره کردید، سرعت در ترجمه و انتشار آثار از سوی مترجمان و ناشران مهم است. به نظر شما این مسأله تا چه میزان بر سطح کیفی تأثیرگذار بوده است؟

دوستان، مترجمان و منتقدان محترم بارها دغدغه‌های خود را در این زمینه ابراز و اظهار نگرانی کرده‌اند، اما زمانی که نظارتی جدی بر این روند وجود نداشته باشد، سخن گفتن بیبوده و تکرار مکررات است. برای نمونه، نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرهای قدیمی و اهل فن کنار رفته و با ورود نسل جوان که تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظرات در روند تولید و چاپ یک اثر نیست. پیگیری اجرای قانون کپی‌رایت از اهم واجبات در این حرفه است؛ بلکه عده‌ای دست از مسابقه برای ترجمه آثار نویسندگان معروف بردارند. این سیاق غیربازاری در فروش (با حذف روش مارکتینگ به اصطلاح جایزه‌گیری در صنعت کتاب) پایبندی به تسلط و تعهد ادبی در میان مترجم‌ها و ناشران همچون گذشته، منجر به تولید آثاری با کیفیت خواهد شد.

همان‌طور که اشاره کردید، سرعت در ترجمه و انتشار آثار از سوی مترجمان و ناشران مهم است. به نظر شما این مسأله تا چه میزان بر سطح کیفی تأثیرگذار بوده است؟

دوستان، مترجمان و منتقدان محترم بارها دغدغه‌های خود را در این زمینه ابراز و اظهار نگرانی کرده‌اند، اما زمانی که نظارتی جدی بر این روند وجود نداشته باشد، سخن گفتن بیبوده و تکرار مکررات است. برای نمونه، نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرهای قدیمی و اهل فن کنار رفته و با ورود نسل جوان که تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظرات در روند تولید و چاپ یک اثر نیست. پیگیری اجرای قانون کپی‌رایت از اهم واجبات در این حرفه است؛ بلکه عده‌ای دست از مسابقه برای ترجمه آثار نویسندگان معروف بردارند. این سیاق غیربازاری در فروش (با حذف روش مارکتینگ به اصطلاح جایزه‌گیری در صنعت کتاب) پایبندی به تسلط و تعهد ادبی در میان مترجم‌ها و ناشران همچون گذشته، منجر به تولید آثاری با کیفیت خواهد شد.

همان‌طور که اشاره کردید، سرعت در ترجمه و انتشار آثار از سوی مترجمان و ناشران مهم است. به نظر شما این مسأله تا چه میزان بر سطح کیفی تأثیرگذار بوده است؟

دوستان، مترجمان و منتقدان محترم بارها دغدغه‌های خود را در این زمینه ابراز و اظهار نگرانی کرده‌اند، اما زمانی که نظارتی جدی بر این روند وجود نداشته باشد، سخن گفتن بیبوده و تکرار مکررات است. برای نمونه، نبود تیم تخصصی و تحریریه حرفه‌ای از جمله ضعف‌های برخی ناشران محسوب می‌شود. گاهی شاهد هستیم بعضی ناشرهای قدیمی و اهل فن کنار رفته و با ورود نسل جوان که تنها به گردش مالی مجموعه فکر می‌کنند خبری از نظرات در روند تولید و چاپ یک اثر نیست. پی